

بسم الله الرحمن الرحيم

جلسه اول ۱۳۹۸/۰۶/۲۴

موضوع: لزوم تربیت نیروهای پاسخگو به شبهات در حوزه های علمیه

اعوذ بالله من الشيطان الرجيم بسم الله الرحمن الرحيم و به نستعين و هو خير ناصر و معين الحمد لله و الصلاة

على رسول الله و على آله آل الله لاسيما على مولانا بقيه الله و اللعن الدائم على اعدائهم اعداء الله إلى يوم لقاء الله

خدا را بر تمام نعمت‌هایش به ویژه نعمت ولایت شاکریم و از اینکه باز به ما توفیق داد سال تحصیلی

۱۳۹۸-۱۳۹۹ را درک کنیم شاکر هستیم.

امیدواریم ان شاءالله خداوند عالم به حق حضرت ولی عصر به ما توفیق بدهد تا در این سال تحصیلی آنچه که

رضای خودش و رضای ولیش در آن هست را بتوانیم انجام وظیفه کنیم.

لزوم تربیت نیروهای پاسخگو به شبهات

بنده به عنوان مقدمه به چند نکته اشاره می‌کنم. نکته اول اینکه ما نه تنها به عنوان یک روحانی، بلکه به عنوان

یک سرباز اردوگاه آموزشی حضرت ولی عصر مشغول کار هستیم و باید تلاش کنیم ببینیم فرمانده و مولا و

سرور و ولی نعمت ما از ما چه انتظاری دارد. آنچه مولای ما از ما می‌خواهد مهم است، نه آنچه ما می‌خواهیم.

با توجه به جوی که امروز در پیش رو داریم و هجمه‌ای که امروز در داخل و خارج کشور در فضای مجازی و

فضای حقیقی علیه مذهب اهل بیت و مذهب شیعه است، شاید بتوان گفت در تاریخ بی‌سابقه است.

این چنین هجمه علیه مذهب شیعه در طول این هزار و چهارصد سال سابقه نداشت. شاید از اول انقلاب هم تا

الآن هجمه‌ای که در طول یکی دو سال اخیر علیه شیعه و حوزه‌های علمیه شده است، بی‌سابقه بوده است.

تقریباً یک ماه قبل آیت الله اعرافی منزل ما تشریف آورده بودند و حدود یک ساعتی خدمت ایشان بودیم. ایشان از وضع حوزه‌های علمیه و شبهاتی که مطرح است، بسیار اظهار نگرانی می‌کردند.

ما امروز در حوزه‌های علمیه پاسخگو به شبهات علمی نداریم و اگر هم داریم تعداد انگشت شماری هستند.

یکی از فرمایشاتی که ایشان با توجه به حسن ظنی که به بنده حقیر داشتند بیان کردند، این بود که مصرانه از من خواستند برنامه ریزی کنید در هر شهر و استانی برای پاسخگویی به شبهات یک یا دو نفر از طلاب و اساتید تربیت کنید که وقتی شبهاتی پیش می‌آید، لازم نباشد که ما از قم برای آن‌ها استاد اعزام کنیم.

ما خدمت ایشان عرض کردیم با توجه به تجربیاتی که ما در طول این ۳۰ سال داشتیم، کاملاً در این زمینه آماده هستیم؛ مخصوصاً برای اساتیدی که مبلغ هم هستند این زمینه بیشتر فراهم است.

یک سری بزرگواران ما طوری هستند که درس و بحثی می‌آیند و فقه و اصولی می‌خوانند و به منزلشان تشریف می‌برند و تمام تلاششان این است که بدانند نظرات «شیخ انصاری» و «آخوند خراسانی» و «شهید اول» در این مباحث چیست.

تمام هم و غم این افراد فهمیدن نظرات این اعظام و بزرگواران است و برای غیر از این هم نه فرصت دارند و نه علاقه دارند. این افراد به درد ما نمی‌خورند و اگر برای این افراد سرمایه‌گذاری هم کنیم، شاید بی‌ارزش باشد.

ولی یک دسته از اساتید ما هستند که هم در حوزه تدریس دارند و هم مبلغ هستند؛ در جامعه منبر می‌روند و در شهر خودشان یا شهرهای دیگر حضور دارند؛ در فضای مجازی حضور دارند. این افراد تا حدودی درد آشنا هستند.

بنده گفتم: ترتیبی داده شود که ما بتوانیم در استانها، آن دسته از اساتیدی که دارای دو ویژگی «تدریس» و «تبلیغ» هستند، ما در خدمتشان باشیم.

بعداً از طریق معاونت ایشان، به دفتر ما تشریف آوردند و ما یک ساعت صحبت کردیم. بنده طرح دادم و قرار شد آقایان طرح را مطالعه کنند و نظراتشان را بدهند. همچنین قرار شد جلسه دومی هم داشته باشیم تا ان شاءالله بتوانیم آن را عملیاتی کنیم.

ما الآن تقریباً ده سال است که خدمت بعضی از عزیزان هستیم. تقاضای بنده از عزیزانی که در خدمتشان هستیم و سال‌های گذشته هم بودیم این است که دنبال روش پاسخگویی به شبهات باشند؛ نه صرفاً پاسخ به شبهات. لذا هدف نهایی ما از این مباحث این است که روش‌های پاسخگویی به شبهات را در اختیار عزیزان قرار دهیم، نه پاسخ به شبهات را.

زمانی که ما مباحث فقهی داشتیم، عمدتاً مباحث فقهی ما رویکرد شبهاتی داشت. وقتی ما مباحث کلامی هم داشتیم، عمدتاً رویکرد شبهاتی داشت. یعنی یک فقه ساده‌ای که مرسوم در حوزه هست نبود.

حتی فقه مقارن که امسال هجدهمین سالی است که در خدمت دوستان هستیم حالت شبهاتی دارد، نه حالت مقارنه فقه شیعه با فقه اهل سنت یا فقه علمای وهابی. لذا تلاش ما این است که هر سال بتوانیم چند تن از عزیزان با روش‌های پاسخگویی به شبهات آشنا شوند. این مهم‌ترین هدف ماست.

این مهم‌ترین هدف ماست که یک طلبه یا استاد بداند که اگر یک شبهه‌ای برای او پیش آمد؛ خواه زمانی که در فضای مجازی کار می‌کند یا بحث و مناظره و جدل با وهابیت دارد یا در مناطق زندگی خود با اهل سنت بحث می‌کند، روش پاسخگویی به شبهه را بداند.

اگر ما پانصد شبهه را هم جواب بدهیم هر چند خوب است، اما ایده‌آل نیست. اگر ما ده شبهه را جواب بدهیم، اما با روش پاسخگویی به شبهات جلو برویم بسیار مفید است. یعنی ما باید ده شبهه را از صفر تا صد بیاوریم و با راه و روش مخصوص، پاسخ بدهیم.

ما در بحث چهارم (مبحث رابع) کتاب «منهج الإجابة عن الشبهات» تمام روش‌های پاسخگویی به شبهات را آوردیم. البته امیدوارم که مرکز مدیریت امسال این کتاب را چاپ کند. آن‌ها تقریباً یک ماه قبل فایل پی‌دی‌اف این کتاب را از ما گرفتند و قرار شد هم مرکز مدیریت آن را چاپ کند و هم جامعة المصطفی آن را چاپ کنند.

از بحثی که ما الآن دو سال است قسمت اول آن را اینجا تدریس می‌کنیم، تنها دو بحث بیشتر در قسمت اول نمانده است. یک بحث ضوابط جرح و تعدیل روایات است و یک بحث هم ضوابط و روش‌های پاسخگویی به شبهات است. ان شاءالله به حول قوه الهی ما بتوانیم این دو بحث را اینطرف سال تمام کنیم و هرگاه مرکز مدیریت این کتاب را چاپ کرد، ان شاءالله دوستان کل مطالب را ملاحظه می‌کنند.

بنده در ایام غدیر توفیق داشتم در بسیاری از شهرستان‌ها اعم از خوزستان و بندر ماهشهر و دزفول و کرمانشاه و کاشمر و بیرجند برنامه داشتم. ما در ایام غدیر در هر شهری دو سه روز می‌ماندیم و اکثراً با حوزه‌های علمیه برنامه داشتیم.

ما برنامه‌های عمومی در مساجد داشتیم، اما عمدتاً طرف حساب ما حوزه‌های علمیه بود. الحمدلله این برنامه‌ها اثرات بسیار خوبی داشت و در هر شهری که رفتیم در نتیجه بحث‌هایی که در حوزه‌های علمیه داشتیم، تحولی در حوزه‌ها ایجاد شد و بعضی از اساتید لحظه شماری می‌کردند که طرح آیت الله اعرافی پیاده شود و ما از آقایان دعوت کنیم به قم بیایند و این بحث‌ها را داشته باشیم.

دعوت به همکاری!

البته در بعضی از شهرها گفتند همین مباحثی که شما دارید را مرتب از اینترنت می‌گیریم و تدریس می‌کنیم. بحث فقه مقارن ما در چند حوزه علمیه استان خوزستان تدریس می‌شود. یکی از اساتید بحث‌ها را به زیبایی دسته بندی کرده بود که ما گفتیم اگر این مباحث را خوب تنظیم کنید، ما آماده هستیم که آن‌ها را چاپ کنیم.

لذا تقاضای بنده این است که بعضی از دوستانی که قلم خوب دارند، بتوانند مباحثی که ما در طول این چند سال اخیر داشتیم را تنظیم کنند. البته مباحث این هجده سالی که ما بحث داشتیم، در سایت «مؤسسه تحقیقاتی حضرت ولی عصر» موجود است. دوستان هرکدام از این مباحث را که علاقه دارند، مطالعه کنند و آنها را تنظیم کنند.

ما تقریباً عمده مباحث اختلافی فقهی از قبیل بحث وضو، تکتف، سجده بر مهر، متعه و دیگر مباحث را مطرح کردیم. ما اساسی‌ترین شبهاتی که امروزه علیه شیعه در رسانه‌های و فضای مجازی وجود دارد را مطرح کردیم و گمان نمی‌کنم در رابطه با مباحث فقهی چیزی جا گذاشته باشیم.

از میان دوستان کسانی که قلم خوبی دارند، این مطالب را تنظیم کنند تا اگر در جایی احتیاجی به تحقیق و توضیحات بیشتری دارد انجام بدهند و ما هم آماده هستیم این مطالب را به نام خود آقایان چاپ کنیم.

ما امسال هم که در خدمت دوستان هستیم، تقاضایمان از عزیزان این است سؤالاتی که مطرح می‌شود را خوب جواب بدهند و نیز خلاصه مباحث را در آخر ماه در اختیار ما قرار بدهند.

سال گذشته از میان هشتاد نفری که در جلسه حضور داشتند و در خدمتشان بودیم، هر ماه حدوداً ده نفر بیشتر تحقیق نمی‌دانند و این گلایه ماست. البته ما هدیه ناچیزی هم تقدیم این آقایان می‌کردیم.

بعضی از آقایان به شاگردان خود شهریه می‌دهند که بنده کاملاً و صددرصد با این کار مخالف هستم. بنده معتقدم آن دسته از عزیزانی که واقعاً زحمت می‌کشند مطالعه می‌کنند و نتیجه مطالعاتشان را هم می‌نویسند، احتیاج به تشویق دارند و باید آنها را تشویق کنیم.

بنابراین من از همه عزیزانی که شرکت می‌کنند، تقاضا می‌کنم مباحثی که انجام می‌شود را مکتوب و مدون کنند. اگر این مباحث خوب باشد، و مباحث علمی منقحی باشد، ما قبل از پایان سال آماده هستیم این مطالب را چاپ کنیم.

قدرت تخریبی این افراد چند برابر قدرت تخریبی وهابیت است

نکته دیگری که وجود دارد این است که خدمت آیت الله اعرافی هم عرض کردم ما به جای اینکه حوزه‌های علمیه ما در برابر شبهات پاسخگو و مقاوم باشند، داریم در حوزه‌های علمیه تلفات می‌دهیم که این مایه تأسف است.

ما بارها گفتیم آقای «شیخ حسین مؤید» در رسانه‌ها به یک فتنه مبدل شده است. ایشان در مدرسه آیت الله العظمی گلپایگانی درس خارج تدریس می‌کرد و حدود دویست نفر شاگرد داشت. ایشان ابتدا به اردن و از آنجا به عربستان سعودی رفت. در حال حاضر او عمامه و لباس را کنار گذاشته و در شبکه‌های ماهواره‌ای علیه شیعه جولان می‌دهد و به جای بیش از پنجاه کارشناس وهابی، دارد علیه شیعه حرف می‌زند. او که در حوزه هم بوده و تمام نقاط ضعف حوزه را می‌داند، علیه تشیع کار می‌کند.

همچنین «سید مهدی موسوی» که یکی از طلاب فاضل تهران در مدرسه آیت الله مجتهدی بود، به مالزی و از آنجا به امارات رفت. او هر هفته چندین جلسه علیه شیعه در شبکه‌های فارسی وهابی دارد. این افراد تشیع را تخریب می‌کنند و قدرت تخریبی آن‌ها چند برابر قدرت تخریبی وهابیت است.

همچنین اخیراً یکی از طلاب خوزستان به نام «عسگری» علیه شیعه در شبکه‌های وهابی تبلیغ می‌کند. او سابقه طلبه‌گی و سابقه تبلیغ در سپاه داشته و دارد بر ضد شیعه کار می‌کند. و یا آقای «عابدینی» در اصفهان یک سری حرف‌هایی می‌زند که وهابیت می‌زنند.

بنده چند روز قبل که تلفنی با این شخص صحبت داشتم، به او گفتم: شما حرف تازه‌ای ندارید. حرف‌هایی که شما می‌زنید همان حرف‌هایی است که «قلمداران» خبیث و زندقه‌پرور یا «سید ابوالفضل برقعی» یا «مصطفی طباطبایی» یا «شریعت سنگلجی» زده است. این حرف‌ها برگرفته از وهابیت است.

«شریعت سنگلجی» یکی از ائمه جماعت تهران بود که به مدینه رفت و چند جلسه با وهابیت نشست و برخاست کرد؛ وقتی که برگشت، شروع به طرح عقاید وهابیت کرد.

اساتید و بزرگان ما به جای اینکه در میان وهابیت تأثیرگذار باشند، خودشان متأثر می‌شود و در داخل همان افکار را تبلیغ می‌کنند. آن‌ها در اصفهان چندین پایگاه تشکیل دادند و معتقدات شیعه را نقد می‌کنند.

«مصطفی طباطبایی» نوه «میرزا احمد آشتیانی» صاحب «حاشیه‌ای بر رسائل» است که کار می‌کند. خداوند آیت الله خزعلی را بیامرزد. روزی برای صرف نهار در منزلمان خدمت ایشان بودیم. ایشان از یک ظرف ماست درون ظرف دیگر ماست ریخت و گفت: آقای قزوینی! از ماست که بر ماست!

امروزه بحث ما چنین است که از ماست که بر ماست. امروزه انگلیس و آمریکا و اسرائیل آرام ننشسته است. در حال حاضر قضیه یمانی‌ها و «احمد الحسن» به فتنه شدیدی مبدل شده است که غالباً آقایان روحانیون ما، اصلاً اطلاعی از این قضیه ندارند!!

امسال ماه محرم، برخی از هیئت‌های مذهبی قم صفحه‌ای در رابطه با بیوگرافی «احمد الحسن» چاپ کرده بودند، ولی در بسیاری از مساجد، ائمه جماعت از پخش این تبلیغات ممانعت می‌کردند. آن‌ها خودشان که کار نمی‌کنند و اگر جوانی هم کار می‌کند و می‌خواهد دجال‌ها را معرفی کند تا جوانان ما فریب نخورند برایشان سنگین است و می‌گویند چرا چنین کاری می‌کنید!!

این قضیه برای ما خیلی درد است. به جای اینکه حضرات در نقد فتنه‌هایی که برای ما پیش می‌آید پیشقدم باشند، جلوی تبلیغات را می‌گیرند.

یکی از مسئولین رده بالای وزارت اطلاعات نقل می‌کرد و می‌گفت: در حال حاضر برای وزارت، اولویت اول در کشور مبارزه با فتنه یمانی‌ها و «احمد الحسن» شده است!!

متأسفانه حوزه ما اطلاعی از این قضیه ندارد. بنده چند روز قبل خدمت یکی از اعظام حوزه بودم. وقتی که درباره فتنه احمد الحسن مطالبی گفتم، او گفت: حاج آقای قزوینی این افراد چه کسی هستند و هدفشان چیست؟

وقتی درباره آن‌ها و اهدافشان توضیح دادم، او گفت: امکان دارد این مطالب را بنویسید و به من بدهید؟ من خجالت کشیدم که بگویم ما باید از شماها یاد بگیریم و شماها باید استاد ما باشید و ما را راهنمایی کنید که چنین فتنه‌ای هست و باید به آن ورود پیدا کنیم. بعضی از مراجع بزرگوار ما به قدری در این قضایا در بی‌اطلاعی به سر می‌برند که واقعاً مایه تأسف شدید است.

لذا وقتی ما بحث را شروع می‌کنیم، معمولاً ده دقیقه به سؤالات عزیزان پاسخ می‌دهیم. ابتدا که وارد کلاس می‌شویم، ده دقیقه یا یک ربع به سؤالاتی که عزیزان دارند در هر حوزه‌ای باشد پاسخ می‌دهیم که تمام این پرسش و پاسخ‌ها در اینترنت سایت «مؤسسه تحقیقاتی حضرت ولی عصر» قرار گرفته است. بنابراین ما ده دقیقه اول خود را به سؤالات آقایان اختصاص می‌دهیم و نیم ساعت هم بحث‌های ماست.

تلاش ما بر این است که در این بحث‌هایی که داریم دوستان بزرگواری کنند مطلبی که به ذهنشان می‌رسد را مطالعه کنند و مطرح کنند و یا در این حوزه اگر شبهات دیگری هست یا مطلب ناتمام است را به ما تذکر بدهند.

اگر عزیزان از ما سؤال کنند یا ما فی المجلس به سؤالات جواب می‌دهیم و یا تلاش می‌کنیم در جلسات دیگر به آن پاسخ بدهیم.

یکی از طلاب معمم: «یا علی» و «یا حسین» گفتن شرک است!!

پارسال بعد از درس همین جا یکی از طلاب معمم ادعا کرد «یا علی» و «یا حسین» گفتن شما همگی شرک است. او ادعا کرد که من تحقیق کردم و برایم ثابت شد که «یا علی» گفتن شرک است!!

یک کاغذی هم مثلاً به عنوان تحقیق نوشته بود که البته به ما هم نداد، به یکی از دوستان داد که مشاهده کردم یک سری مطالبی را با خط بد نوشته و به عنوان تحقیق آورده است که بله، «یا علی» گفتن و «یا حسین» گفتن شرک است و باید جلوی شرک‌ها را گرفت.

او گفت: «سید محمد حسین فضل الله» یا فلان شخص چنین گفته است. من گفتم: چطور شما در میان پیامبران اسم «جرجیس» را به عنوان پیامبر انتخاب کردید!

چرا از «شیخ مفید» و «شیخ صدوق» و «علامه مجلسی» و «علامه حلی» و بزرگان ما که در این زمینه هستند مطلبی نیاوردید؟! چرا این روایت صحیح که در کتاب «کافی» هست را ندیدید که امام صادق می‌فرماید:

« شِعَارُنَا يَا مُحَمَّدُ يَا مُحَمَّدُ »

یا فرمود:

« شِعَارُ الْحُسَيْنِ يَا مُحَمَّدُ وَ شِعَارُنَا يَا مُحَمَّدُ. »

الكافي (ط - الإسلامية)، كلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، ج ۵، بَابُ الشُّعَارِ، ص: ۴۷، ح ۱

انسان قدری تأسف می‌خورد. بنده واقعاً اعصابم به هم ریخت که یک طلبه معمم حوزه ادعا کند «یا علی» گفتن شرک است. مقصر، حوزه‌ها و اساتید ماست، زیرا وقتی شبهه‌ای پیش می‌آید یا جواب آن‌ها را ندارند و یا حوصله مطالعه کردن ندارند یا اهمیت نمی‌دهند.

وقتی این شخص به شهرستانی برای تبلیغ برود، این تفکر به اندازه صد مبلغ وهابی که از عربستان سعودی برای تبلیغ به ایران بیایند، کارشان را جلو می‌برد و تخریب می‌کند.

نقشه اصلی دشمن، تضعیف روحیه عشق به اهل بیت (علیهم السلام)

دشمنان به دنبال همین هستند و می‌دانند عشق به اهل بیت هست که مردم ایران را در صحنه نگه داشته است. عشق به اهل بیت است که هشت سال دفاع مقدس را مدیریت کرد.

عشق به امام حسین است که باعث می‌شود چند تن از سپاهی‌ها سربازان آمریکایی را می‌گیرند و علی‌رغم اینکه ده هلیکوپتر توپ‌دار بالای سرشان هست و چند ناو هواپیمابر در اختیار دارند، جرئت نمی‌کنند کوچک‌ترین شلیکی بکنند. چرا که آن‌ها می‌دانند که در برابر عشق و علاقه و روحیه شهادت طلبی نمی‌توانند مقاومت کنند.

دیشب مشاهده کردم که «سرلشکر باقری» رئیس ستاد کل نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران، تحلیلی داشت که چطور بعد از زدن پهپاد آمریکایی آن‌ها هیچ اقدامی نکردند. ایشان گفت: طبق اطلاعاتی که ما داشتیم اگر «ترامپ» می‌خواست حمله کند، باید با ارتش آمریکا حمله و دفاع کند. آن‌ها دو جلسه سه ساعته داشتند و فرماندهان ارتش به «ترامپ» توضیح دادند که اگر ما بخواهیم با ایران در بیفتیم، چه اتفاقاتی خواهد افتاد.

تنها بحث ایران مطرح نیست. ایران در حال حاضر در بسیاری از کشورها نیرو دارد و امکانات دفاعی و حمله‌ای در اختیار دارد. ایشان می‌گفت: بعد از دو جلسه سه ساعته «ترامپ» به این نتیجه رسید که نباید سر به سر ایران بگذارد.

این ادعا مسخره است که او می‌گوید: "ما مشاهده کردیم که اگر بخواهیم عملیاتی انجام بدهیم صد نفر بیگناه کشته می‌شود." اصلاً بی‌گناه و باگناه برای آن‌ها مطرح نیست.

من دوست دارم صحبت‌های «سرلشکر باقری» را ببینید که تحلیل زیبایی کرد و مستند شرح داد. حال اینکه این اطلاعات را از کجا به دست آوردند، نمی‌دانیم.

همانطور که حزب الله لبنان تصویر اتاق کار «نتانیاها» را روی آنتن برد و گفت: ما در پشت اتاق تو دوربین‌هایی داریم که تا این اندازه تمام حرکت‌های تو را رصد می‌کنیم؛ حواس خود را جمع کن و بدان که با چه کسی طرف حساب هستی!

روحیه‌ای که بچه‌های ما دارند حاصل عشق به اهل بیت است. این افراد می‌خواهند به هر قیمتی باشد، عشق به اهل بیت را از جوانان ما بگیرند، به خاطر همین ادعا می‌کنند «یا علی» گفتن و «یا حسین» گفتن شرک است.

جناب آقای «عابدینی» می‌گوید: روحانی کاروان ما روزی در مکه سخنرانی کرد و گفت: ما باید در مکه دنبال امام زمان بگردیم، باید در عرفات و منا به دنبال امام زمان بگردیم و اگر بازهم نشد به مدینه برگردیم و دنبال حضرت باشیم.

«عابدینی» می‌گوید که من به او گفتم: به جای آنکه به دنبال امام زمان بگردید، به دنبال خدا بگردید. به جای اینکه «یا صاحب الزمان» بگویید، «یا الله» بگویید!

این دقیقاً همان شعار وهابیت است. آن‌ها در شبکه‌های خود ادعا می‌کنند که فقط «یا الله» بگویید. این شخص شاید اصلاً توجه نداشته باشد. من نمی‌خواهم بگویم که ایشان انسانی معاند و مغرض است، بلکه توجه ندارد.

طبق روایات صحیح، تنها راه خداشناسی، امام شناسی است

او که تحت تأثیر بعضی از رسانه‌ها قرار گرفته است تصور می‌کند که اگر ما به مردم بگوییم «یا الله» بگویید مسئله درست است، اما با «یا صاحب الزمان» گفتن مسئله درست نیست. حال آنکه ما هم روایات صحیح داریم و هم در متن زیارات ما وارد شده است:

«مَنْ أَرَادَ اللَّهُ بَدَأَ بِكُمْ»

من لا يحضره الفقيه، نویسنده: ابن بابویه، محمد بن علی، محقق / مصحح: غفاری، علی اکبر، ج ۲، ص

۶۱۵، ح ۳۲۱۳

طبق این روایت اگر کسی بخواهد طرف خدا برود، باید از شما شروع کند. همچنین در روایت دیگر وارد شده است:

«بِنَا عَبْدَ اللَّهِ وَ بِنَا عُرْفَ اللَّهِ وَ بِنَا وَحْدَ اللَّهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى وَ مُحَمَّدٌ حِجَابُ اللَّهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى»

الکافی، نویسنده: کلینی، محمد بن یعقوب، محقق / مصحح: غفاری علی اکبر و آخوندی، محمد، ج ۱،

ص ۱۴۵، ح ۱۰

همچنین در اوایل کتاب «علل الشرایع» وارد شده است که از حضرت سیدالشهدا سؤال می‌کنند:

«يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ بِأَبِي أَنْتَ وَ أُمِّي فَمَا مَعْرِفَةُ اللَّهِ»

یا بن رسول الله! پدر و مادرم فدایتان، معرفت خدا را چگونه بشناسیم؟

«قَالَ مَعْرِفَةُ أَهْلِ كُلِّ زَمَانٍ إِمَامَهُمُ الَّذِي يَجِبُ عَلَيْهِمْ طَاعَتُهُ»

علل الشرائع، نویسنده: ابن بابویه، محمد بن علی، ج ۱، ص ۹، ح ۱

اصلاً راه خداشناسی، امام شناسی است. اگر ما واقعاً از کانال ائمه اطهار خدا را نشناسیم، سر از وهابیت در خواهیم آورد. در این صورت خدای ما همان خدای الاغ سوار است که هر نیمه شب سوار بر الاغ می‌شود و بر آسمان دنیا می‌آید.

«مرحوم شیخ مفید» در کتاب خود نقل می‌کند: در بغداد بعضی از علمای غیر شیعی شب‌ها در پشت بام خود علف یا یونجه می‌ریختند تا الاغی که خدا سوار می‌شود بر پشت بام آن‌ها بنشیند و بیشتر فیض ببرند.

توحید غیر از کانال اهل بیت همین است! نبوت غیر از کانال اهل بیت پیغمبری است که چندین بار تصمیم به خودکشی می‌گیرد. جبرئیل التماس می‌کند و عرضه می‌دارد: اگر چند روز وحی به تأخیر افتاده است شما ناراحت نشوید، ما نزد خدا التماس می‌کنیم وحی نازل شود.

بعد از مدتی دوباره در فرستادن وحی تأخیر می‌افتد و باز هم پیغمبر اکرم تصمیم می‌گیرد بالای کوه برود و خود را به پایین پرت کند. پیغمبری که تاب و توان تأخیر وحی را ندارد و می‌خواهد خودکشی کند، آیا می‌تواند هادی بشر باشد؟

ده‌ها مسائل دیگر در توحید و نبوت و معاد و هابیت مطرح شده است، حال امامت پیشکش آقایان! مشاهده کنید ذیل آیه شریفه:

(هَلْ مِنْ مَّزِيدٍ)

آیا افزون بر این هم وجود دارد؟!

سوره ق (۵۰): آیه ۳۰

چقدر روایت دارند. در کتاب «صحيح بخاری» و «صحيح مسلم» وارد شده است که خداوند عالم در قیامت هرچه از مردم گنهکار به جهنم می‌ریزد، جهنم می‌گوید باز هم بریز. خداوند عالم قدم خود را داخل آتش جهنم می‌گذارد و جهنم می‌گوید: دیگر بس است!

مشاهده کنید این خرافات به خاطر این است که از اهل بیت (علیهم السلام) جدا افتادند و معنای: «بِنَا عُبْدَ اللَّهِ وَ بِنَا عُرْفَ اللَّهِ وَ بِنَا وَحْدَ اللَّهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى» را نمی‌دانند. حال ادعا می‌کنند شما به جای آنکه دنبال امام زمان بگردید، دنبال خدا بگردید. این همان تفکر اموی و عباسی است که می‌خواستند اهل بیت را از مردم جدا کنند.

لذا امروز احساس می‌کنم مقداری ما حوزویان از تکلیف واقعی و وظیفه اصلی خود فاصله گرفتیم و به قدری غرق در فقه و اصول و فروع شدیم که فراموش کردیم به اصل اصیل پردازیم و:

«بُنَى الْإِسْلَامُ عَلَى خَمْسٍ عَلَى الصَّلَاةِ وَ الزَّكَاةِ وَ الصُّومِ وَ الْحَجِّ وَ الْوَلَايَةِ وَ لَمْ يَنَازَ بِشَيْءٍ كَمَا نُودِيَ بِالْوَلَايَةِ»

الكافی، نویسنده: کلینی، محمد بن یعقوب، محقق / مصحح: غفاری علی اکبر و آخوندی، محمد، ج ۲، ص ۱۸، ح ۳

را کلاً کنار گذاشتیم. اگر کسی می‌خواهد مجتهد شود و در آینده فقیه شود، موظف است که همین مسیر را ادامه بدهد.

آیت الله خزعلی نقل می‌کردند که زمانی با آیت الله سیستانی هم مباحثه بودیم و از پل آهنچی می‌آمدیم. در آن زمان بهائیت در ایران سروصدای زیادی به راه انداخته بودند. من از آیت الله سیستانی سؤال کردم: نظرتان نسبت به بهائیت چیست؟ ایشان در جواب گفتند: من فقط و فقط به دنبال مسئله فقاقت هستم و آینده می‌خواهم آن را اتمام کنم. اصلاً حاضر نیستم که فکرم را مشغول اینطور مسائل کنم.

اگر کسی هدفی دارد و می‌خواهد در آینده به مرحله‌ای برسد که عوام از او تقلید کنند، یک سری لوازمی دارد که باید آن را رعایت کند. در مقابل کسی که امروز می‌خواهد مبلغ و مدافع دین و پاسخ به شبهات باشد، یک سری لوازمی دارد که باید به آن دقت کنیم.

ما باید تلاش کنیم از اتلاف وقت و دیدن بعضی سریال‌هایی که غیر از اتلاف وقت و مشوش کردن فکر چیز دیگری ندارد اجتناب کنیم.

بنده معتقدم دیدن این سریال‌ها برای طلبه خلاف شرع است، زیرا چیزی به انسان افزوده نمی‌کند. ده درصد این سریال‌ها واقعیت و نود درصد آن اوهام و خیالات است تا مخاطب را جذب کنند. سریال‌های ایرانی اگر داستان عشق و عاشقی نداشته باشد، سریال نیست.

سریال امام علی بود که باید آن را سریال «قطام» نام نهاد. نقشی که «قطام» در این سریال داشت، بیش از نقشی بود که امام علی داشت.

ما باید از یک سری اخبار عمومی اطلاع داشته باشیم. همچنین از بعضی سایت‌هایی که مربوط به حوزه علمیه است مطلع باشیم. باید بیننده چند سایتی که اخبار را خوب منعکس می‌کنند، باشیم. اطلاع داشتن از اخبار روز از ضروریاتی است که باید از آن اطلاع داشته باشیم. ما باید در بیست و چهار ساعت یک مرتبه اخبار تلویزیون و رادیو را گوش کنیم و به نظر من از ضروریات است. فرمود:

«وَالْعَالِمُ بِرَمَانِهِ لَا تَهْجُمُ عَلَيْهِ اللُّوَابِسُ»

الکافی، نویسنده: کلینی، محمد بن یعقوب، محقق / مصحح: غفاری علی اکبر و آخوندی، محمد، ج ۱،

ص ۲۷، ج ۲۹

قطعاً این موارد ضروری است، اما باید در طول بیست و چهار ساعت نیم ساعت یا یک ساعت وقت ما را بگیرد. ان شاءالله ما از جلسه بعد بخشی که سال گذشته داشتیم که روش پاسخگویی به شبهات بود را دنبال می‌کنیم.

البته ما دو سال پیش مشکلی داشتیم. دوستانی که در بحث ما بودند برای امتحان خارج مشکلی پیدا کرده بودند. چرا که ما بحث را کلامی کرده بودیم و مرکز مدیریت از امتحان خارج امتناع ورزیده بود و می‌گفت: به دلیل اینکه بحث کلامی است و فقهی نیست، ما به عنوان امتحان خارج قبول نمی‌کنیم.

آیت الله اعرافی نامه رسمی در این خصوص نوشتند. دوستان هم این قضیه را پیگیری کنند که نامه ایشان عملی شده است یا خیر. بحث‌های خارج کلام هم همانند بحث‌های خارج فقه و بحث‌های رسمی حوزه، امتحان گرفته شود.

ایشان می‌گفت: ما به دنبال این هستیم که خارج تفسیر هم راه بیندازیم و شاید اساتید دیگری را هم وادار کنیم که در حوزه خارج کلام تدریس کنند. همچنین نسبت به سایر مواد درسی هم باید تلاش کنیم غیر از خارج فقه و اصول، خارج مباحث دیگر هم در حوزه باشد.

عزیزان پیگیری کنند، زیرا من نمی‌دانم سال گذشته در امتحاناتی که از خارج فقه گرفتند فرمایش آیت الله اعرافی را عمل کردند یا خیر. اگر عملی نکردند به ما بگویند تا ما پیگیری کنیم.

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته